

مطالعات روش تاریخی خاورشناسان معاصر در بوته نقد

چکیده

روش‌ها و متدهایی که قرآن‌پژوهان غیرمسلمان در تحقیقات خود به کار می‌برند، معمولاً در مباحث علمی به اندازه کافی بررسی نمی‌شوند. در اینجا برخی از روش‌های متداول و مورد استفاده در این زمینه معرفی می‌شود: این روش به معنای عمیق‌تر خود، عمدتاً در زمینه نقد متون مقدس توسعه یافته و سپس به عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی منتقل شده است. این نوع پژوهش با بهره‌گیری از شیوه‌های توصیفی - تحلیلی با رویکرد انتقادی، در گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات سامان‌دهی شده است. از مهم‌ترین روش‌های وحی پژوهی مستشرقان می‌توان به نقد تاریخی اشاره کرد که در نقد متون عهدینی گسترش یافته و شامل نقدهای متنی، نقد شکلی، نقد زبان‌شناختی و نقد ادبی و غیره است. به نظر نگارنده، روش‌های تاریخی و انتقادی وحی‌پژوهی مستشرقان در تضاد با اندیشه دینی اسلامی قرار دارند و هر یک از این اصول با اشکالات جدی مواجه است. جامع‌ترین و معتبرترین نظریه‌ای که تا کنون درباره منبع قرآن مطرح شده، خود قرآن است. این دیدگاه با دلایل متعددی از جمله شواهد نقلی و منطقی حمایت می‌شود و بهترین توضیح و تفسیر برای واقعیت قرآن با تمام ویژگی‌ها و مشخصاتش به شمار می‌آید. مهم‌ترین انتقاد به روش نقد منبع، این است که نتیجه‌گیری آن بر اساس دو قرن تأخیر در شکل‌گیری قرآن و نویسندگان آن است، که با مستندات تاریخی قطعی و شواهد باستان‌شناسی و همچنین تکنیک‌های پیشرفته‌ای مانند آزمایش کربن-۱۴ در تضاد قرار دارد.

واژگان کلیدی: نقد آرای مستشرقان، وحی قرآنی، مصادر وحی قرآنی، روش تاریخی و انتقادی مستشرقان، شبهات خاورشناسان.

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، مستشرقان و محققان غیرمسلمان به شکلی آکادمیک به بررسی موضوع «منابع و مصادر قرآن» پرداخته‌اند. این مباحث به قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد و از آن زمان تا به اکنون، تنوع وسیعی از نظرات ارائه شده است. پرداخت کنندگان به این موضوع به طرح شبهاتی درباره منابع قرآن اقدام کرده و این مطلب را القا می‌کنند که پیامبر اسلام بخش قابل توجهی از قرآن را از منابع مختلفی مانند تورات، انجیل، فرهنگ و آداب جامعه جاهلی، آیین صابئان، حنفاء یا اشعار جاهلی الهام گرفته است. برخی نیز بر این عقیده‌اند که حضرت محمد (ص) به واسطه تأثیر پذیرفتن از شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی زمان خود، متن قرآن را به وجود آورده است. این فرضیه‌ها به استفاده از شیوه‌های نوین نقد تاریخی متون در غرب استناد دارد. یکی از اصول اساسی در این زمینه این است که، در صورتی که شباهت‌هایی میان دو متن مشاهده شود، متن جدیدتر از متن قدیم‌تر الهام گرفته است. محققان غربی و خاورشناسان با استفاده از این اصل و با در نظر گرفتن شباهت‌های بین قرآن و منابع پیشین مانند تورات و انجیل، به طرح فرضیات خود درباره مصادر قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها همچنین به دلایلی همچون سفرهای پیامبر اکرم به شام و دیدار و معاشرت او با برخی از علما و دانشمندان یهود و نصارا، از جمله ورقه بن نوفل و بحیرای راهب، اشاره کرده و معتقدند که حضرت محمد (ص) تحت تأثیر آموزه‌های اهل کتاب قرار گرفته و قرآن را از منابع دینی و فرهنگی جامعه عربستان و مناطق اطراف آن وام گرفته است.

۲- تبیین و بررسی روش نقد تاریخی

در سال‌های اخیر، رویکرد این فرضیه‌ها به مباحث زبان‌شناسی قرآن و بررسی ریشه‌های مفاهیم قرآنی در زبان‌های باستانی قبل از خود قرآن تغییر شکل داده است. نقد تاریخی یکی از قدیمی‌ترین و پرکاربردترین روش‌ها در پژوهش‌های متون دینی محسوب می‌شود. ریشه‌های این روش به دوران رنسانس (قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی) برمی‌گردد و همواره در حال تحول و بهبود بوده است. این روش در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی پیشرفت کرده و در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ به اوج خود رسید.^۱

۲-۱. تعریف و گستره نقد تاریخی

در تعریف و گستره این روش اختلاف نظر وجود دارد؛ با این حال، نقد تاریخی برگرفته از نقد متون عهدین، در غرب، یک متن را از پنج حیث بررسی و نقد می‌کند:

۱. نقد سند متن: بررسی اعتبار و صحت اسناد مرتبط با متن.
۲. نقد ادبی: تحلیل منبع و نحوه نقل یا ارائه متن توسط پدیدآورنده.
۳. نقد محتوایی: ارزیابی صحت محتوای متن با توجه به داده‌های علمی، فلسفی، تاریخی و غیره.

۱. FITZMYER, ۱۹۸۹: ۲۴۶-۲۴۷

۴. نقد شکل متن: بررسی سبک و اسلوب نگارش متن.

۵. نقد به وجودآورنده متن: تحلیل شرایط و اوضاع پدیدآورنده و زمانه او.^۱

۲-۲. نقطه اشتراک زیرروش‌ها

نقطه مشترک این زیرروش‌ها، توافق عمومی بر این اصل است که متون باید در زمینه شرایط تاریخی خود تفسیر شوند، یعنی در پرتو سنت‌ها و قراردادهای ادبی و فرهنگی عصر خود.^۲

زیرروش‌های نقد تاریخی

زیرروش‌هایی که در چارچوب نقد تاریخی، به ویژه در زمینه نقد متون عهدینی شکل گرفته و بر قضاوت تاریخی ناقد تأثیرگذارند، شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. نقد متنی یا نسخه‌شناختی (Textual Criticism)

این روش، که عمدتاً بر اساس فیلولوژی کلاسیک یا زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی پایه‌گذاری شده است، به بررسی انتقال متن کتاب مقدس به زبان اصلی‌اش و مطالعه نسخه‌های باستانی، ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آن می‌پردازد. در ادامه مقاله به این موضوع به‌طور مستقل پرداخته خواهد شد.^۳

۲. نقد منبع (Source Criticism)

این نوع نقد به دنبال شناسایی پیشینه تاریخی و منابع احتمالی یک متن یا اثر و بررسی آن‌هاست.^۴

۳. نقد ادبی یا نقد سبک‌شناختی (Literary Criticism)

این روش، که شاخه‌ای از نقد تاریخی کتاب مقدس به شمار می‌رود، به تحلیل ماهیت، ویژگی‌ها و انواع سبک‌های ادبی یک متن می‌پردازد. به عبارت دیگر، محتوای متن از نظر ساختار، طرح کلی، سبک و فرم ادبی آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا شواهدی درباره تاریخ جمع‌آوری، نویسنده و کاربرد گونه‌های مختلف نوشته‌های متن به دست آید.^۵ شناسایی نوع متن از منظر ادبی مقدمه‌ای برای تفسیر و فهم متن است و در روشن شدن مسائلی نظیر نویسنده، تاریخ نگارش و الحاقی بودن اجزای متن

۱. جلیلی سنزیقی، سیدهدایت، پژوهش در تفسیرپژوهی قرآن: مطالعه الگوهای زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱ش، ۸۵-۸۶

۲. Collins, ۲۰۰۵:۴

۳. ibid

۴. FITZMYER, ۱۹۸۹:۲۵۰-۱

۵. FITZMYER, ۱۹۸۹:۲۵۰

یاری می‌کند.^۱

۴. نقد فرمی یا شکلی (Form Criticism)

این روش بر اساس این فرض استوار است که هر متن، به‌ویژه متون ادبی، از اجزایی نظیر داستان، موعظه، مثل، مناجات و دعا تشکیل شده است. در مرحله اول، بخش‌های یک متن مشخص می‌شوند و سپس با استفاده از تحلیل تاریخی، بستر ظهور هر بخش (مانند یک داستان) و سیر تحولی آن‌ها تا شکل نهایی بررسی می‌شود. کل این فرایند، که ترکیبی از تحلیل ادبی و تاریخی است، به نقد شکلی معروف می‌باشد.^۲

تفاوت روش‌های نقد ادبی و نقد شکلی

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بین روش‌های نقد ادبی و نقد شکلی در این است که در نقد ادبی یا سبک‌شناختی، محقق به محتوای درونی اثر به‌علاوه شکل و ساختار آن توجه دارد. آثار جان ونزبرو، به ویژه کتاب «مطالعات قرآنی» وی، نمونه‌های موفق از استفاده تلفیقی از این دو روش هستند و به‌طور مستقل تحت عنوان «نقد ادبی» بررسی خواهند شد.

نقد اصلاحی یا ویرایشی (Redaction Criticism)

نقد اصلاحی بر دو اصل اولیه استوار است:

۱. مولفان متون دینی بر اساس اعتقادات خاص خود به بازسازی تجربیات و اطلاعات موجود پرداخته‌اند.
 ۲. این متون نمایانگر فضا و زمینه خاص جامعه دینی زمان تدوین و شکل‌گیری‌شان هستند.
- یافته‌های نقد ویرایشی می‌تواند در تعیین اصالت متن، تاریخ‌گذاری ظهور و تکامل آن و قضاوت تاریخی فرد درباره اثر مذکور بسیار مؤثر باشد.^۳

تحلیل و نقد تاریخی

به‌طور خلاصه، در تحلیل و نقد تاریخی، موارد زیر بررسی می‌شود:

۱. سلیمانی، عبدالرحیم، «نقادی کتاب مقدس»، هفت آسمان، دوره ۲، شماره ۸، ص ۱۰۳-۱۰۴

۲. همان: ۱۰۴

۳. عمادی حائری، سیدمحمد، «روش‌شناسی تحلیل متن ۴: تحلیل تاریخی- تحلیل پدیدارشناختی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین- تیرماه ۱۳۹۲، ص ۱۱-۱۴؛ دهقانی، رضا، «چیستی نقد تاریخی»، پژوهش، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۴۵-۱۷۴

- روزگار مؤلف و تاریخ نگارش متن

- زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیدایش آن

- ریشه‌های اندیشه یا مکتب فکری مؤلف

- منابع احتمالی متن

در این روش، محتوای متن نیز در چهارچوب تاریخ، جامعه و سیاست حاکم بر زمان و مکان پیدایش آن تحلیل می‌شود. این تحلیل به صورت تکامل‌نگرانه انجام می‌شود و متن به عنوان یک محصول کاملاً تاریخی در نظر گرفته می‌شود. با بررسی زمینه‌های زمانی و مکانی، محتوای متن نیز به دقت تحلیل می‌شود. از میان زیرروش‌های فوق، دو مورد، یعنی نقد متنی و نقد ادبی، به دلیل توجه بیشتر مستشرقان به آن‌ها و کاربردشان در مطالعات قرآنی، در اینجا بیشتر مورد تبیین قرار خواهند گرفت.

روش نقد متنی

نقد متنی یا نسخه‌شناختی^۱، که به بررسی موضوع انتقال متن کتاب مقدس به زبان اصلی‌اش، نسخه‌های باستانی و ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آن می‌پردازد، یکی از رایج‌ترین تحلیل‌ها در نقد تاریخی، به ویژه در متون مقدس به شمار می‌رود.^۲

چارچوب تاریخی و علمی

از لحاظ تاریخی، نقد متنی بخشی از نقد کتاب مقدس است که وظیفه دارد نسخه‌های موجود یک متن، ترجمه‌ها و تفسیرهای مختلف آن را شناسایی کند. این نقد از طریق مقایسه و بررسی نسخه‌ها با یکدیگر و با استفاده از شیوه‌های نوین تلاش دارد تا متن اصلی یا معتبرتر را شناسایی کند. اگرچه پیشینه نقد تاریخی کتاب مقدس به سده‌های گذشته (حداقل سده هجدهم) برمی‌گردد، نقد متنی به عنوان یک مطالعه علمی جدید تلقی می‌شود.^۳

تفاوت و رابطه با نقد تاریخی

در میان اندیشمندان غربی، گاهی سردرگمی در تفکیک نقد تاریخی و نقد متنی مشاهده می‌شود. از یک سو، نقد متنی به عنوان زیرمجموعه‌ای از نقد تاریخی در نظر گرفته می‌شود، و از سوی دیگر، برخی تحلیل متن را اصلی‌ترین روش دانسته و دیگر

۱ . Textual Criticism

۲ . ibid

۳ . سلیمانی، ۱۳۷۹ش: ۱۰۲

روش‌ها از جمله تحلیل تاریخی و پدیدارشناسی را زیرمجموعه تحلیل محتوای متن ارزیابی می‌کنند.^۱ علاوه بر این، برخی این روش را ترکیبی از چند روش مختلف دانسته و به همین دلیل شکل عام این نقد را «روش التقاط‌گرایی منطقی»^۲ نامیده‌اند.^۳ همچنین، نقد متنی به‌عنوان علمی و هنری تعریف شده^۴ که بر اساس عقل سلیم و منطق، در پی شناسایی معتبرترین شکل واژه‌پردازی یک متن است. به‌عنوان نمونه، جیمز بلمی^۵ به سادگی نقد متنی را به معنای اصلاح خطاهای متون تعریف کرده است.^۶

اهداف نقد متنی

نقد متنی دارای اهداف و فرآیندهای مهمی است که به شناسایی و تحلیل تاریخ انتقال متون و چگونگی تحول آن‌ها کمک می‌کند. در این راستا، دو هدف کلیدی را می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. ردیابی و بررسی تاریخ انتقال متون

این هدف شامل شناسایی تحریفات و اصلاحات وارده بر یک متن از طریق مقایسه نسخه‌های مختلف آن است. با انجام این فرآیند، می‌توان به تولید و تدوین یک نسخه انتقادی از متن مصطلح رسید که از همه تحریفات و اعوجاج‌های ناشی از دست‌نوشته‌ها و افزوده‌های بعدی پالایش شده است. این نسخه انتقادی به محققان و خوانندگان این امکان را می‌دهد که به نزدیک‌ترین شکل به متن اصلی دست یابند.^۷

۲. کاوش و تبیین توسعه تاریخی متن

این جنبه از نقد متنی به بررسی چگونگی توسعه تاریخی و تحول متن در طول زمان می‌پردازد. این بررسی شامل مطالعه تغییرات زبانی، فرهنگی، و اجتماعی است که بر روی متن تأثیر گذاشته‌اند. به‌وسیله این تحلیل، پژوهشگران می‌توانند درک عمیق‌تری از زمینه‌های تاریخی و فلسفی متن به‌دست آورند و تغییرات معنا و کاربرد آن را در طول زمان ردیابی کنند. این دو هدف به‌طور کلی نقد متنی را به ابزاری قدرتمند برای فهم بهتر متون مقدس و دیگر متون ادبی تبدیل می‌کند و زمینه‌های

۱. عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴

۲. The method of Reasoned Eclecticism

۳. Small, ۲۰۱۱: ۵

۴. Wegner, ۲۰۰۶: ۲۴

۵. James A. Bellamy (۱۹۲۵-۲۰۱۵)

۶. Bellamy, ۲۰۰۶, in: EQ, vol. ۵: ۲۳۷

۷. Stausberg and Engler, ۲۰۱۱: ۳۴۹

لازم را برای نقدهای بعدی فراهم می‌آورد.^۱

روش نقد متنی و قرآن

نقد متنی در مطالعات قرآن

در میان قرآن‌پژوهان غربی، افرادی نظیر ریچارد بل از روش نقد متنی در مطالعات قرآنی بهره برده‌اند^۲، اما اثر کیث اسمال^۳ با عنوان «نقد متنی و نسخ خطی قرآن»^۴ به عنوان یکی از صریح‌ترین و جدیدترین کارها در این زمینه شناخته می‌شود. این کتاب نیازمند مطالعه و بررسی دقیق از سوی اندیشمندان مسلمان است، زیرا برخی از محققان مسلمان معتقدند که در آرای اسمال رگه‌هایی از نگاه جدلی و صلیبی وجود دارد.

در میان محققان آمریکایی، جیمز بلمی نیز قابل ذکر است. اگرچه او کتاب مستقلی در این زمینه ندارد، اما از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۲ با تکیه بر روش تحلیل متن، در مقالات مختلف به تأثیرات و تغییرات متنی قرآن اشاره کرده و تصحیحاتی را پیشنهاد کرده است.^۵ یکی از مهم‌ترین مقالات وی با عنوان «نقد متنی قرآن» در دایره‌المعارف قرآن، به سردبیری خانم مک‌اولیف منتشر شده و نشان‌دهنده تأثیرات تحلیل متنی بر درک متن قرآنی است.^۶

مراحل نقد متنی بر اساس نظر بلمی

بلمی برای نقد متنی، فرایند را به سه مرحله تقسیم کرده است:

۱. دستیابی به متن اولیه: مبنا قرار دادن یک نسخه اولیه از متن.^۷
۲. ارزیابی متن:^۸ بررسی این که آیا این نسخه بهترین و معتبرترین نسخه موجود است و شناسایی اشکالات و خطاهای آن.^۹
۳. اصلاح اشتباهات: اگر کار به درستی انجام شود، نتیجه باید دستیابی به نسخه‌ای اصلاح‌شده باشد که به اثر اصلی نویسنده

۱. Small, ۲۰۱۱:۱۶۱

۲. سعید، عبدالله، درآمدی به قرآن، مترجم: سعید شفیعی، تهران، حکمت، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۳-۱۵۴

۳. Small, Keith E., ۱۹۵۹-

۴. See: Ameri, ۲۰۱۳:۱۷۴-۲۰۲

۵. کریمی‌نیا، مرتضی، زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن‌پژوهی مستشرقان، تهران، هرمس، ۱۳۹۱ش، ص ۳۶۱

۶. Bellamy, ۲۰۰۶, in: EQ, vol. ۵: ۲۳۷-۲۵۲

۷. Recension

۸. Examination

۹. Emendation

نزدیک‌تر باشد.^۱

بَلَمی در مورد نسخه استاندارد مصری قرآن (۱۹۲۴م) بیان می‌کند که این نسخه به خوبی تدوین شده و نیاز به تهیه نسخه جدیدی از متن قرآن نیست، بنابراین همان نسخه را مبنا قرار می‌دهیم.^۲

شرایط اصلاح خطاهای موجود در متن قرآن

بَلَمی چند شرط برای مقبولیت مرحله سوم (اصلاح خطاها) در نظر دارد:

۱. معنایی بهتر: پیشنهاد اصلاحی باید معنای متن را به‌بهرتر نشان دهد.
 ۲. هماهنگی با سبک قرآن: مورد اصلاح‌شده باید با سبک ادبی قرآن هماهنگ باشد.
 ۳. توجیه در رسم الخط و کتبه‌شناسی: اصلاح باید از نظر نگارشی نیز قابل توجیه باشد.
 ۴. نشان دادن وقوع انحراف: باید بتواند چگونگی انحراف و خطای اولیه در متن را تبیین کند.
- از میان این موارد، معیار معنایی از اهمیت بیشتری برخوردار است.^۳

نقد و بررسی

چالش‌ها و نکات نقد متنی قرآن

نقد متنی در بررسی متون دینی، به‌ویژه قرآن، با چالش‌ها و نتایج عملی خاصی مواجه است. در اینجا به مهم‌ترین نکات در این زمینه پرداخته می‌شود:

نتایج عملی نقد متنی

بسیاری از پژوهشگران تأکید می‌کنند که نتایج عملی نقد متنی در مورد متون دینی هنوز به‌طور کامل اطمینان‌بخش نیست. به‌عنوان مثال، متون عهد جدید با وجود بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی، هنوز هم به‌طور کامل قابل بازسازی و احیا نیستند. این نشان می‌دهد که این روش، به‌ویژه در مواردی که اطلاعات تاریخی و نسخه‌ها محدودتر هستند، تنها می‌تواند به‌طور تقریبی اجرایی باشد.^۴

شروط اصلی نقد متنی

۱ . ibid., p. ۲۳۷

۲ . ibid

۳ . ibid, p. ۲۳۹

۴ . Stausberg and Engler, ۲۰۱۱: ۳۴۹

یکی از شروط کلیدی برای اجرای نقد متنی، آشنایی ناقد با زبان اصلی متن است. ناقد باید از لحاظ لغت‌شناسی و زبان‌شناختی درکی عمیق از متن و محتوای آن داشته باشد. لذا در تحقیقات علمی، ترجمه‌ها، هرچند که مفید باشند، نباید به‌عنوان مدرک معتبر تلقی شوند. این موضوع به ویژه در مورد قرآن‌پژوهان غیرمسلمان معنا پیدا می‌کند و سوال مطرح می‌شود که چه تعداد از این پژوهشگران واقعاً آشنایی لازم با زبان عربی دارند.^۱

اختلاف در زوایای نگاه

نقد متنی قرآن از زوایای مختلفی صورت می‌گیرد که گاهی یک نگاه خاص، از سوی دیگران مورد نقد قرار می‌گیرد. جیمز بلمی به نقد رویکرد کارشناسانی مانند بارث، بلاشر، و بل پرداخته است. این افراد در بررسی خود به روابط درونی سوره‌ها، انفصالات احتمالی آن‌ها و کشف افزوده‌های احتمالی به متن اصلی توجه دارند و بیشتر این پیش‌فرض‌ها بر تغییر در نظم و ترتیب کلمات و عبارات قرآن مبتنی است.^۲

بلمی در نقد این رویکرد به چالش‌هایی اشاره می‌کند. یکی از این چالش‌ها این است که این افراد در پذیرش شرط چهارم برای اصلاح متن، یعنی تبیین منشأ وقوع خطا یا انحراف، به مشکل برمی‌خورند.^۳ از یک سو، نمی‌توانند ادعا کنند که تغییرات ناشی از کار پیامبر (ص) بوده است که این ادعا به بی‌اهمیتی آیات قرآن برای او اشاره دارد و از این رو قابل قبول نیست. از سوی دیگر، وجود همزمان نقل شفاهی و مکتوب قرآن، وقوع تغییرات و جابجایی‌های گسترده‌ای را ناممکن می‌سازد و این موضوع ادعای وقوع این تغییرات پس از پیامبر (ص) را نیز با مشکل مواجه می‌کند.^۴

بسیاری از ادعاهایی که از سوی مدعیان درباره انحرافات و خطاهای متنی در قرآن مطرح شده، توسط اندیشمندان مسلمان به دقت مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ‌های مستدل و قانع‌کننده‌ای به آنها داده شده است. به عنوان نمونه، یکی از موارد اصلاحی که بلمی به آن اشاره کرده، واژه «حَصَب» در آیه ۹۸ سوره انبیا است. او ادعا می‌کند که واژه اصلی «حَطَب» بوده و کاتبان و مستسخنان در فرآیند نوشتن، حرف «الف» را فراموش کرده و به اشتباه آن را به «صاد» تبدیل کرده‌اند.^۵

۱ . ibid., p. ۳۵۱

۲ . Bellamy, ۲۰۰۶: ۲۴۰

۳ . ibid

۴ . ibid, pp. ۲۴۰-۲۴۱

۵ . ibid, p. ۲۴۱

این ادعای بلمی به وضوح در تضاد با منابع تفسیری و لغوی کهن عربی است که وجود واژه «حصب» را با معانی مختلفی چون سنگ، سنگی که به پرتاب می‌شود، و هیزم به عنوان ماده‌ای که برای شعله‌ور کردن آتش استفاده می‌شود، تأیید می‌کند.^۱ مورد دیگری که بلمی به آن پرداخته، واژه «سَجَل»^۲ در آیه ۱۰۴ سوره انبیاست که او آن را به «مُسَجَّل» تغییر داده است.^۳ این پیشنهاد بلمی نیز در بررسی‌های دقیق مردود شناخته شده و اعتبار نداشته است.^۴ علاوه بر این، واژه «الرَّقِیم» در آیه نهم سوره کهف^۵ که بلمی آن را به «الرَّقود» اصلاح کرده^۶، نیز مورد انتقاد قرار گرفته و پذیرفته نشده است.^۷ مستشرقان به تمامی منابع مسلمانان از جمله منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی، ادبی و کلامی مراجعه کرده و در این میان، به طبقه‌بندی خاصی از لحاظ اعتبار آنها توجه نمی‌کنند و این موضوع نشان‌دهنده نداشتن رویکرد دقیق و معتبر در تحلیل منابع اسلامی است.^۸

در بررسی منابع تحقیق، اصل اولیه‌ای که خاورشناسان به آن توجه می‌کنند، مراجعه به متون کهن و قدیمی است. این رویکرد در تحقیقات علمی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما به تنهایی کافی نیست. به عنوان مثال، در متون تفسیری، تفسیر «جامع البیان» اثر طبری و تفسیر «القرآن العظیم» ابن کثیر دمشقی نمی‌توانند در یک سطح قرار بگیرند. زیرا تفسیر طبری به

۱. فرزانه، بابک، «حَصَبُ جَهَنَّمَ: بررسی معناشناختی واژه «حَصَب» در قرآن»، صحیفه مبین، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۹۹-۱۱۲

۲. «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ» (همان) روزی که آسمان را همچون پیچیدن طومار نامه‌ها، در می‌نوردیم؛ همان‌گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم؛ (این) وعده‌ای است بر عهده ما؛ قطعاً ما (آن را) انجام می‌دهیم.

۳. ibid, p. ۲۴۲

۴. فقهی‌زاده، عبدالهادی، امامی دانالو، حسام، «مُسَجَّل» پیشنهادی ناصحیح و غیر عالمانه، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۵-۱۲۸

۵. «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»: آیا پنداشتی که «اصحاب کهف و رقیم» (یاران غار و صاحبان نوشته)، از نشانه‌های (معجزه‌آسای) شگفت‌آور ما بودند؟!

۶. ibid, p. ۲۵۱

۷. اسکندرلو، محمدجواد، امیری، محمد مقداد، «بررسی مقاله الرقیم و الرقود»، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، شماره دهم، ۱۳۹۰ش، صص ۹۷-۱۲۶

۸. نولدکه، تئودور، تاریخ القرآن، ترجمه عربی: جورج تامر و دیگران، بیروت، النشر للموسسة کونراد آدناثر، الطبعة الولی، ۲۰۰۴م، صص ۲۴۹: الروایات المختلفة، بلاشر، ۴۹ و ۵۰: روایات مختلف جمع قرآن در زمان ابوبکر

شدت تحت تأثیر روایات ضعیف و اسرائیلیات است^۱، در حالی که تفسیر ابن کثیر به طور قابل توجهی از این نوع روایات پاکسازی شده و مؤلف آن به ضعف روایات تفسیری و نقد اسرائیلیات اشاره می‌کند.^۲

نقد ادبی یا سبک‌شناختی

بحث در مورد خاستگاه تاریخی و متن‌شناسی قرآن، به ویژه از منظر پست‌مدرنیسم و تاریخ‌نگاری جدید، موضوعی پیچیده و چالش‌برانگیز است. در ادامه به چند نکته کلیدی در این زمینه پرداخته می‌شود:

۱. روش نقد تاریخی

روش نقد تاریخی هدفش بررسی بافت تاریخی آثار با هدف درک خاستگاه مکانی و زمانی آن‌هاست. این روش به پژوهشگران کمک می‌کند تا مواد و منابع را در قالب فرهنگی و اجتماعی خاصی قرار دهند و از این طریق به تحلیل عمیق‌تری از متن دست یابند.

۲. ظهور تاریخ‌گرایی جدید

جریان جدید تاریخ‌نگاری، تحت تأثیر پست‌مدرنیسم، به بافت ادبی و اجتماعی متون توجه بیشتری می‌کند، در حالی که تمرکز سنتی بر بافت تاریخی روایات کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این تغییر رویکرد به چالش‌های جدیدی منجر می‌شود:

- تردید در اصالت تاریخی آثار اسلامی: در حالی که محققان سنتی به مانند رویکردهای سنتی مسلمانان نسبت به قرآن و تاریخ آن احترام می‌گذارند، این پژوهشگران جدید به صراحت به اصالت تاریخی مستندات اسلامی تردید دارند و روایت‌های سنتی را به چالش می‌کشند.^۳

۳. نظرات جان ونزبرو

۱. معرفت، محمد هادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن حکیم باشی و دیگران، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۸،

ص ۲، بحث طبری و جامع البیان

۲. مرعشی، ۲۳/۱: ابن کثیر و الاسرائیلیات

۳. سعید، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰

جان ونزبرو، به عنوان پیشگام این جریان، ادعا می‌کند که اکثر روایات و آثار اسلامی مرتبط با جمع قرآن در قرن دوم هجری شکل گرفته‌اند و قرآن به معنای کامل آن تا حدود ۱۵۰ سال پس از وفات پیامبر (ص) وجود نداشت.^۱ نظرات او شامل موارد زیر می‌باشد:

- تاریخ نجات اسلامی: ونزبر این ایده را مطرح می‌کند که روایت‌های سنتی درباره جمع قرآن، به دست مسلمانان بعدی و به ویژه در دوران بنی‌امیه شکل گرفته و نمی‌توانند به صورت تاریخی معتبر باشند.^۲
- عدم وجود اسناد مکتوب: او ادعا می‌کند که هیچ سند مکتوبی درباره مفهوم اسلام یا جمع قرآن به عنوان یک متن تا اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری وجود نداشته است.

۴. چالش برای روایت‌های سنتی

این رویکرد به نقد تاریخی و ادبی، به عنوان یک چالش جدی برای روایت‌های سنتی مسلمانان محسوب می‌شود. مستشرقان و محققان مسلمان باید به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تری از منابع و مستندات تاریخی بپردازند تا توانایی پاسخ به این چالش‌ها و تصحیح برداشت‌های نادرست را داشته باشند.^۳

مبحث تحلیل قرآن و متون اسلامی از منظر نقد ادبی و تاریخ‌نگاری، به‌ویژه در آثار جان ونزبرو و شاگردانش، موضوعی بسیار جالب و در عین حال پرتنش است. به تفکیک این مسائل، نکات زیر حائز اهمیت هستند:

۱. روش‌های نقد عهدینی و کتاب «مطالعات قرآنی»

جان ونزبرو در مقدمه کتاب خود، به کمبود بررسی‌های نقدی بر قرآن به‌عنوان یک متن دینی و تاریخی پرداخته است. او معتقد است که با وجود پژوهش‌های گسترده، هنوز روش‌های نقد عهدینی به خوبی در تحلیل قرآن کاربست نشده‌اند. ونزبرو قرآن را به عنوان نماینده‌ای از ادبیات سنتی مسلمانان می‌بیند که نیازمند توجه بیشتری در تحلیل ادبی و ساختاری است.^۴

۲. تاریخ نجات و تحلیل ادبی

^۱ . Wansbrough, ۲۰۰۴: ۴۳-۵۰, ۲۰۲

^۲ . ibid, pp. ۳۳-۵۰

^۳ . ibid, p. xxi

^۴ . ibid, p. xxiii; idem, ۱۹۷۸, p. ix

ونزبرو واژه «تاریخ نجات» را برای توصیف تاریخ مکتوب صدر اسلام به کار می‌برد و تأکید می‌کند که هدف اصلی او از تحلیل ادبی متون اسلامی، ترسیم همین تاریخ نجات است.^۱ او بر این باور است که متون اسلامی نه تنها باید از منظر تاریخی بلکه از لحاظ ادبی نیز مورد بازنگری قرار گیرند تا تفسیر عمیق‌تری از روح و محتوای آنها به دست آید.^۲

۳. ادعای ارتباط قرآن با یهودیت

شاگردان ونزبرو، مانند کرون و کوک، نظریات بحث‌برانگیزی را درباره پیوند قرآن با یهودیت مطرح کردند. کتاب "هاجرسم" آنها به ارتباط اسلام با فرقه‌ای از یهودیت به نام هاجریون می‌پردازد و ادعا می‌کند که گردآوری قرآن در زمان حکمرانی حجاج در عراق و حدود سال ۸۵ هجری آغاز شده است.^۳ این نظریه به‌ویژه به دلیل عدم پشتیبانی مستند و تکیه بر منابع متخاصم با انتقادات شدید مواجه شد.^۴

۴. انتقادات بر روش‌شناسی و محتوای کار

این فرضیات نه تنها از محققان مسلمان بلکه از برخی محققان غیرمسلمان نیز مورد انتقاد قرار گرفت.^۵ انتقادات اصلی شامل موارد زیر است:

- تکیه بر منابع متخاصم: این رویکرد به‌ویژه مورد توجه منتقدان قرار گرفت که به محدودیت‌های این نوع تحلیل اشاره کردند، زیرا ممکن است به نادرستی‌ها و سوءفهم‌های تاریخی منجر شود.

- انتقاد ونزبرو از شاگردانش: حتی جان ونزبرو خود نیز به نقد فرضیات روش‌شناختی کرون و کوک پرداخته و به طور ضمنی بر لزوم دقت در انتخاب و استفاده از منابع تأکید کرده است.

^۱ . Wansbrough, John, The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History (Oxford, ۱۹۷۸)

^۲ . Wansbrough, ۱۹۷۸, p. ix

^۳ . Crone and Cook, ۱۹۷۷: ۱۸

^۴ . Lester, Toby, what is the Koran? P. ۴۶

^۵ . Wansbrough, ۱۹۷۸: ۱۰۵-۱۰۶

- انتقاد استفن همفریز:^۱ این محقق نیز استفاده (یا سوءاستفاده) از منابع یونانی و سریانی را یکی از نقاط ضعف کتاب هاجریسم معرفی کرد.^۲

۵. ضرورت دقت در پژوهش‌های اسلامی

این تنش‌ها و انتقادات نشان‌دهنده چالش‌هایی هستند که در تحلیل متون اسلامی از منظر نقد ادبی و تاریخ‌نگاری وجود دارد. به طبع، این مسائل ضرورت دقت و اعتبار منابع را در پژوهش‌های علمی به‌ویژه در موضوعات حساس دینی و تاریخی برجسته می‌کند.

بررسی

بررسی روش نقد ادبی یا سبک‌شناختی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های نقد تاریخی، به‌ویژه در زمینه متون اسلامی مانند قرآن، موضوعی بسیار مهم و در عین حال پرچالش است. در اینجا به چالش‌های کلیدی این روش و به‌ویژه دیدگاه‌های جان ونزبرو پرداخته می‌شود:

۱. اعتبار استنتاج‌های تاریخی

ونزبرو خود بر این نکته تأکید می‌کند که هدف او «بازسازی تاریخ» نیست و تحلیل‌های او بیشتر سبک‌شناختی هستند. این موضع‌گیری نشان‌دهنده تردید او در مورد قابلیت دست‌یابی به واقعیت‌های تاریخی از طریق تحلیل ادبی است. به اعتقاد او، نتایج این تحلیل‌ها تنها برای دقت بیشتر در تحلیل منابع ارزشمند هستند و نه برای بیان «آنچه واقعاً روی داده»؛ این تردید می‌تواند بر اعتبار محتوای تحقیقات تأثیر بگذارد.^۳

۲. تناقض در استنتاج‌های تاریخی

با وجود تأکید ونزبرو بر تحلیل‌های سبک‌شناختی، وی گاه در تحلیل‌ها به استنتاج‌های تاریخی می‌رسد و ادعاهایی درباره

^۱ . R. Stephen Humphreys

^۲ . Humphreys, ۱۹۹۱: ۸۵

^۳ . Wansbrough, ۱۹۷۷, p. xxi; idem, ۱۹۷۸, p. xixi

واقعیات تاریخی مطرح می‌کند، مانند اینکه «فلان اتفاق» اصلاً روی نداده یا به نحو دیگری رخ داده است.^۱ این تناقض بین ادعای او در مورد روش و نتایج نهایی، اعتبار این تحلیل‌ها را زیر سؤال می‌برد و باعث شک و تردید در دقت آنها می‌شود.

۳. تفسیرهای متفاوت

یکی دیگر از چالش‌های جدی در این روش، این است که تفسیرهای حاصل از تحلیل ادبی می‌توانند متأثر از پیش‌فرض‌های فرد محقق باشند. به همین دلیل، نتایج ممکن است به گونه‌های مختلف تعبیر و تفسیر شوند. این تنوع در تفسیر می‌تواند به نتایج متناقض و در نتیجه آسیب به اعتبار تحلیل‌های ارائه شده منجر شود.^۲

۴. نقدهای دیگر مستشرقان

این چالش‌ها تنها به ونزبرو مربوط نمی‌شود و بسیاری از مستشرقان دیگر نیز موضع مشابهی را اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال، ویلیام گراهام برخی از فرضیات ونزبرو را به دلیل تکیه بی‌حد و حصر بر تحلیل ادبی صرف و عدم توجه کافی به زمینه تاریخی، غیرقابل قبول می‌داند. این نقدها بر ضرورت دقت و اعتبار در روش‌شناسی‌های پژوهشی تأکید کرده و به‌ویژه معتقدند که تحلیل‌های ادبی باید در کنار سایر روش‌های تاریخی و انتقادی قرار گیرند تا به نتایج معتبر و قابل اتکا منجر شوند.^۳

(۲) نقد تاریخی به عنوان یک روش علمی، به طور کلی بر بافت تاریخی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متون متمرکز است. در این میان، شک‌گرایانی مانند جان ونزبرو به بافت ادبی متن توجه بیشتری دارند. این رویکرد می‌تواند به چالش‌های متعددی منجر شود که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

توجه به بافت ادبی و چالش‌های آن

تحلیل‌های دانه دربارۀ نقص‌های روشی در تحقیقات مربوط به قرآن، به‌ویژه در زمینه ارتباطات با «عهدین»، نکات قابل تأملی را به تصویر می‌کشد. در زیر، چالش‌های اصلی مطرح‌شده از سوی دانه و دیگر پژوهشگران مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. نقص در پژوهش‌های مرتبط با عهدین

دانه به این نکته اشاره می‌کند که پژوهش‌های غربی در مورد قرآن، به‌ویژه از زمان آغاز تحقیقات جدی، به بررسی مطالب «عهدینی» قرآن پرداخته‌اند. او امیدوار است که بافت ادبی قرآن با مطالعات دقیق‌تر در ارتباط با دیگر متون سنت یهودی-

۱. نیل ساز، ۱۳۸۷ش: ۱۶۷-۱۵۸

۲. نیل ساز، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۵؛ پویازاده، اعظم و پیروان، مریم، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۶

۳. William A. Graham

مسیحی بهتر فهمیده شود. با این حال، می‌افزاید که تلاش‌ها برای شناسایی ارتباطات دقیق این متون با قرآن تا کنون بی‌نتیجه بوده است.

۲. تمایز بافت ادبی و بافت تاریخی

یکی از چالش‌های جدی که داور به آن اشاره دارد، این است که حتی اگر بتوان بافت ادبی قرآن را به‌طور واضح مشخص کرد، این امر به‌تنهایی نمی‌تواند به فهم بافت تاریخی آن کمک کند. این نکته انتقادی به روش‌شناسی ونزبرو و پیروان او اشاره دارد که بر تحلیل‌های ادبی تأکید می‌کنند، در حالی که این تحلیل‌ها اغلب قادر به روشن‌سازی تاریخ واقعی و بافت‌های تاریخی نیستند.

۳. تناقض‌نمایی در رویکرد

از دیگر چالش‌ها در این روش، تناقض‌نمایی است. نویسندگان این جریان مدعی هستند که منابع اسلامی تصویری ویرایش‌شده و اشتباه از خاستگاه‌های اسلام ارائه می‌دهند.^۱ این رویکرد ما را به قبول این فرضیه وادار می‌کند که خاستگاه‌های واقعی اسلام غیر از آن چیزی است که سنت اسلامی ترسیم کرده است.

چالش این استدلال

- عدم اعتبار مدارک: از آنجا که این رویکرد منابع اسلامی را به دلیل غیر تاریخی بودن رد کرده است، به نوعی به ما می‌گوید که باید بدون شواهد معتبر، ادعاهای خود را بپذیریم. این تناقض آشکار است: ما باید مدارک اسلامی را رد کنیم، در حالی که درخواست می‌شود که فرضیات بدون دلیل آنها را بپذیریم.

- اعتبار علمی: این نوع استدلال به عدم اعتبار و مشروعیت رویکردها می‌انجامد، زیرا طبق اصول علمی، ادعاهای بدون شواهد و مستند نمی‌توانند مبنای معتبر برای تحلیل‌های تاریخی و متنی قرار گیرند.^۲

نقد‌های وارده بر جریان‌های شک‌گرایانه در مطالعه متون اسلامی، به ویژه تأثیرات اندیشه پست‌مدرنیسم بر این رویکردها، یکی از جنبه‌های مهم در ارزیابی این نوع تحقیقات است.

۱. تأثیرپذیری از پست‌مدرنیسم

یکی از انتقادات اصلی به این جریان، وابستگی فکری آن به پست‌مدرنیسم است. پست‌مدرنیسم به عنوان یک رویکرد فلسفی و فرهنگی، بر نسبیت‌گرایی و نقد روایت‌های بزرگ تأکید دارد. در این دیدگاه، حقیقت و واقعیت به عنوان مفاهیمی نسبی در نظر گرفته می‌شوند و هر فرد یا فرهنگ می‌تواند برداشت‌های متفاوتی از واقعیت داشته باشد. این نسبیت‌گرایی می‌تواند به

۱. گراهام، ویلیام، ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن‌پژوهی غربیان، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳-۲۳۴

۲. Donner, ۲۰۱۱: ۲۵-۲۶

چالش‌هایی در زمینه اخلاقیات و معرفت‌شناسی منجر شود، زیرا اگر همه چیز نسبی باشد، معیارهای ثابت و قابل اعتمادی برای ارزیابی درست و نادرست وجود نخواهد داشت.^۱

۲. نقدهای هابرماس

یورگن هابرماس^۲، یکی از مهم‌ترین ناقدان پست‌مدرنیسم، این رویکرد را به عنوان پروژه‌ای ناقص توصیف می‌کند.^۳ او نظریه‌های پست‌مدرنیستی را ضد روشنگری می‌داند و معتقد است که این نظریه‌ها می‌توانند به فاشیسم و افراط‌گرایی منجر شوند. به بیان دیگر، هابرماس بر این باور است که پست‌مدرنیسم با رد اصول روشنگری، که بر عقلانیت، حقوق بشر و پیشرفت اجتماعی تأکید دارد، به نوعی زمینه‌ساز افکار و رفتارهای غیرانسانی می‌شود.

۳. نقد به جریان شک‌گرایی

این انتقادات به جریان شک‌گرایی در مطالعات اسلامی نیز قابل تسری است. وابستگی به نسبی‌گرایی می‌تواند به تضعیف اعتبار استنتاج‌های تاریخی و ادبی منجر شود، زیرا اگر هر برداشت از متن به عنوان یک حقیقت معتبر در نظر گرفته شود، آنگاه امکان رسیدن به یک درک مشترک و معتبر از تاریخ و متون اسلامی به شدت کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

مستشرقان در مطالعات قرآنی خود از روش‌های مختلفی مانند نقد ادبی یا سبک‌شناختی، نقد متن و نقد منبع بهره‌برداری کرده‌اند. این سه روش به عنوان زیرشاخه‌های روش نقد تاریخی شناخته می‌شوند و به کارگیری آنها در تحلیل متون قرآنی با چالش‌های متعددی همراه است.

۱. چالش‌های روش نقد ادبی

یکی از نقدهای اصلی به روش نقد ادبی، عدم اعتبار استنتاج‌های تاریخی آن است. این روش به دلیل تأکید بر بافت ادبی و عدم توجه کافی به بافت تاریخی، ممکن است به نتایج نادرستی منجر شود.

همچنین، تأثیرپذیری از اندیشه پست‌مدرنیسم که به نسبی‌گرایی و پوچ‌گرایی در اخلاقیات و معرفت‌شناسی منجر می‌شود، یکی دیگر از چالش‌های این رویکرد است. این وضعیت می‌تواند به القای عدم درک مفاهیم قرآن از سوی مفسران سنتی منجر شود و به اعتبار تحلیل‌های انجام شده آسیب بزند.

نقد روش نقد متن:

^۱ . Crone, Patricia, ۲۰۰۳, p. ۷

^۲ . Donner, ۱۹۹۸, p. ۲۶

^۳ . گراهام، ویلیام، ۱۳۹۱ش: ۲۳۳-۲۳۴

در مورد روش نقد متن، بسیاری از خاورپژوهان اذعان دارند که این روش تاکنون در بررسی متون دینی، نتایج عملی اطمینان‌بخشی ارائه نکرده است. به‌ویژه، هاوتینگ در استفاده از این روش دچار خطاهای متعددی شده که موجب اشتباهات در استنتاج‌هایش گردیده است.

نقد روش نقد منبع:

نقد به روش نقد منبع در بررسی قرآن و تأثیر آن بر فهم تاریخ اسلام، نقاط قوت و ضعف زیادی دارد. نکته‌های کلیدی در مورد انتقادات به این روش به شرح زیر است:

۱. استنتاج از دو قرن تأخیر

- ادعای تأخیر: یکی از مهم‌ترین نقدها به روش نقد منبع این است که مدعی است شکل‌گیری قرآن و جامعه موحدان اولیه اسلام حدود دو قرن پس از وفات پیامبر اسلام رخ داده است.

- تأثیر این استنتاج: چنین دیدگاهی به بافت و زمینه‌سازی دین اسلام آسیب می‌زند و پرسش‌هایی را درباره اعتبار تاریخی قرآن و پیام رسالت پیامبر مطرح می‌کند.

۲. تضاد با مستندات تاریخی

- شواهد تاریخی: این ادعا با مستندات قطعی تاریخی که به شکل‌گیری زودهنگام قرآن و تثبیت آن در زمان پیامبر و پس از ایشان اشاره دارند، در تضاد است. منابع تاریخی، مانند احادیث و متون اولیه اسلامی، به وجود قرآن در زمان پیامبر و ثبت آن اشاره می‌کنند.

- نقش باستان‌شناسی: شواهد باستان‌شناختی نیز، مانند یافته‌های عتیق از متون قرآنی، به ظهور و حضور قرآن و تاریخ‌نگاری زودهنگام آن اشاره دارد.

۳. تعارض با روش‌های علمی

- آزمایش کربن چهارده: روش‌های پیشرفته‌ای مانند آزمایش کربن چهارده (C-14) می‌توانند قدمت خطی متون و کتاب‌ها را مورد بررسی قرار دهند و نتایج آنها نشان‌دهنده وجود متون قرآنی در قرون اولیه اسلام هستند. این روش‌ها به پژوهشگران کمک می‌کنند تا تأخیر ادعایی در شکل‌گیری قرآن را به چالش بکشند و ادعاهای داوری شده را مبنای اعتبار علمی نگذارند.

به طور کلی، استفاده از این روش‌ها در مطالعات قرآنی نیازمند دقت و احتیاط بیشتری است. نقدهای وارده بر این روش‌ها نشان‌دهنده این است که برای دستیابی به درک صحیح و معتبر از قرآن و تاریخ آن، باید به دقت بیشتری به منابع، مستندات تاریخی و روش‌های تحقیقاتی توجه شود. این امر می‌تواند به ایجاد یک بنیاد مستحکم‌تر برای پژوهش‌های علمی در این حوزه کمک کند و از تکیه بر استنتاج‌های نادرست و غیرمستند جلوگیری نماید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. گراهام، ویلیام، ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۱.
۲. بلاشر، رژی، درآستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ ش.
۴. عسکری، حسین بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دارالآفاق الجديدة، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۵. معرفت، محمد هادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن حکیم باشی و دیگران، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۸.
۶. فرزانه، بابک، «حَصَبُ جَهَنَّمَ: بررسی معناشناختی واژه «حَصَب» در قرآن»، صحیفه مبین، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۷. فقهی زاده، عبدالهادی، امامی دانالو، حسام، «مُسَجَّل» پیشنهادی ناصحیح و غیر عالمانه، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۸. اسکندرلو، محمدجواد، امیری، محمد مقداد، «بررسی مقاله الرقیم و الرقود»، قرآن پژوهی خاورشناسان، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، شماره دهم، ۱۳۹۰ ش.
۹. نولدکه، تئودور، تاریخ القرآن، ترجمه عربی: جورج تامر و دیگران، بیروت، النشر للموسسة کونراد آدنائر، الطبعة الولی، ۲۰۰۴ م.
۱۰. جلیلی سنزقی، سیدهدایت، پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن: مطالعه الگوهای زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. سلیمانی، عبدالرحیم، «نقادی کتاب مقدس»، هفت آسمان، دوره ۲، شماره ۸.
۱۲. عمادی حائری، سیدمحمد، «روش شناسی تحلیل متن ۴: تحلیل تاریخی - تحلیل پدیدارشناختی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیرماه ۱۳۹۲.
۱۳. دهقانی، رضا، «چیستی نقد تاریخی»، پژوهش، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۴. سعید، عبدالله، درآمدی به قرآن، مترجم: سعید شفیعی، تهران، حکمت، ۱۳۹۷ ش.
۱۵. کریمی نیا، مرتضی، زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی مستشرقان، تهران، هرمس، ۱۳۹۱ ش.
۱۶. Humphreys, R. Stephen, *Islamic History: A Framework for Inquiry*, Princeton University Press, ۱۹۹۱.
۱۷. Fitzmyer, Joseph A., "Historical Criticism: It's Role In Biblical Interpretation And Church Life" in: *Theological Studies* ۵۰ (۱۹۸۹), (pp. ۲۴۴-۲۵۹).

١٨. Collins, John J., *The Bible after Babel: Historical Criticism in a Postmodern Age*, Michigan, Wm.. Eerdmans Publishing Co., ٢٠٠٥.
١٩. Small, Keith E., *Textual criticism and Qur'ān manuscripts*, Lexington Books, ٢٠١١
٢٠. Wegner, paul D., *A Student s Guide to Textual Criticism of the Bible: its History, Methods and Results*, Enter varsity press, Illinois, ٢٠٠٦
٢١. Bellamy, James A., *Textual Criticism of the Qurān*, in: *EQ*, vol. ٥, (pp. ٢٣٧-٢٥٢), ٢٠٠٦.
٢٢. Ameri, Sami, *Hunting for the Word of God: The quest for the original text of the New Testament and the Qur'an in light of textual and historical criticism*, Thoughts of Light Publishing, USA, ٢٠١٣, pp. ١٧٤-٢٠٢.
٢٣. Crone, Patricia and cook, Michael, *Hagarism: the making of the Islamic world*, Oxford, ١٩٧٧.